

## تجارب زیسته مادران از چالش‌های تربیتی تک‌فرزندی در دوان کودکی

کوثر دهدست<sup>۱</sup>

زینب ادیب‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

در بین زوجین گرایش به تک‌فرزندی به مرور زمان افزایش یافته است که این تمایل مسیر جدید تربیتی را پیش‌روی آن‌ها قرار می‌دهد. هدف از این پژوهش، بررسی تجارب زیسته مادران از چالش‌های تربیتی تک‌فرزندی در دوان کودکی اول است. روش تحقیق در این مطالعه به صورت کیفی می‌باشد و به روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد گلگیری انجام شد. جامعه مورد مطالعه شامل مادران دارای تنها یک کودک (۳ تا ۶) سال بود که در سال ۱۴۰۱ از طریق نمونه‌گیری هدفمند و به روش در دسترس از بین مراجعان واجد شرایط انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت در مصاحبه ۱۴ به اشباع رسیدند. نتایج حاصل از تحلیل کدگذاری مصاحبه‌ها به شناسایی ۲۹ کدباز، ۷ کدمحوری و ۲ کد نظری منجر شد. با توجه به نتایج به دست آمده کدهای نظری شناسایی شده در این خصوص شامل این دو گزاره است: «نقش تک‌فرزندی در شکل‌گیری چالش‌های تربیتی دوران کودکی تأثیرگذار و متأثر در بروز ضعف‌های تربیتی» و «نقش تک‌فرزندی در شکل‌گیری ضعف‌های تربیتی والدین تک‌فرزند در دوران کودکی، تأثیرگذار و متأثر از چالش‌های تربیتی» است. «چالش‌های تربیتی شامل چالش‌های تربیت اخلاقی، اجتماعی، عاطفی، شناختی و رشدی» است. همچنین «ضعف‌های تربیتی شامل سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد و فضای ارتباطی ناکارآمد» می‌باشد که پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این دو مقوله تأثیرگذار و متأثر بر یکدیگرند. با استفاده از این یافته‌ها می‌توان جلسات آموزشی خانواده جهت شناخت آسیب‌ها و چالش‌های تک‌فرزندی در دوران کودکی اول و ارائه راهکارهایی از تجربه زیسته مادران برای والدین برگزار نمود.

### کلیدواژه‌ها

تک‌فرزندی، چالش‌های تربیتی، تجارب زیسته مادران، دوران کودکی اول.

۱ - دکترای مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) dehdast92@gmail.com

۲ - کارشناس ارشد مشاوره دانشکده رفاه، تهران، ایران zainab.adibzade@yahoo.com

## بیان مسئله

یکی از وقایع مهم زندگی خانوادگی تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان است. چنانچه این تصمیم بر کیفیت زندگی خانوادگی مؤثر است و آنچه که اهمیت بسزایی دارد افزایش تعداد فرزندان است (مهربانی، ۱۳۹۳). نتایج پژوهش نعیمی و همکاران (۱۳۹۸) در این زمینه نشان می‌دهد که میان کارکرد جسمی، بهزیستی هیجانی، سلامت عمومی و کارکرد اجتماعی زوجین با تعداد فرزندان رابطه برقرار است، ولی اگرچه تا چند دهه قبل، داشتن ۲ یا ۳ فرزند در یک خانواده امری عادی تلقی می‌شد و تک‌فرزندی رواج نداشت؛ اما امروزه داشتن یک فرزند مسئله عادی شده است و ترغیب خانواده‌ها به داشتن فرزند کمتر، سبب شده تا والدین به یک فرزند اکتفا کنند (محمدی، ۱۳۹۶).

فرزندآوری، انتخاب مشروط افراد برای داشتن فرزند است که با نگرش زوجین به والدشدن و نگرش آن‌ها به شرایط زندگی در ارتباط است (Fahlén, S., and Oláh, 2010). از عوامل مرتبط با تک‌فرزندی در ایران طی چند سال اخیر، تغییر شرایط ارزشی و نگرش خانواده‌ها درباره باروری و فرزندآوری است که تحولات فرهنگی-اجتماعی، منشأ این تغییرات است (فراهانی و سرایی، ۱۳۹۵). آخرین آمارها نشان می‌دهد که میزان باروری کل در ایران، به ۱/۷۴ فرزند در سال ۱۴۰۰ رسیده است (مرکز آمار ایران). همچنین گزارش‌های وزارت بهداشت نشان می‌دهد که جمعیت کشور در حال پیر شدن بوده و هم‌اکنون بیش از ۷ درصد جمعیت ایران را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند که گفته می‌شود این آمار در چهار دهه آینده تقریباً دو برابر خواهد شد.<sup>۳</sup>

مطالعات در ایران نشان می‌دهد کاهش نرخ باروری در سال‌های اخیر پیوند نزدیکی با عوامل ساختاری و نوسازی، تحولات خانواده، تغییر ارزش‌ها نسبت به فرزند، تغییر الگوهای فرزندآوری، تولید و گسترش برنامه‌های تنظیم خانواده، تغییر موقعیت‌های شغلی زنان و افزایش استقلال زنان و ویژگی‌های فردی مانند سن، پیشرفت تحصیلی دارد (مدیری و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۷). تعارض زناشویی، یکی از طبقات درون‌مایه ابقای تک‌فرزندی است که نشان می‌دهد برخی از عوامل مربوط به مشکلات بین زوجین که

۳. به نقل از سایت سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۱ به نشانی [www.sabteahval.ir](http://www.sabteahval.ir)

سبب گسستگی رابطه بین آنان شده است، در تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان برای پذیرش تک‌فرزندی، نقش به‌سزایی داشته است. همچنین عملکرد منفی گذشته و حال همسر و طلاق عاطفی از جمله این موارد است (بهمنش و دیگران، ۱۳۹۸).

در مقابل زمان ازدواج، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده، اشتغال زنان، سیاست‌های نگهداری کودک، ثبات در روابط زناشویی، آمادگی برای والد شدن، فشار اطرافیان، داشتن تجربه والدینی و نیز تجربه فرزندآوری دیگران برای داشتن فرزند، از جمله عواملی است که بر قصد و رفتار باروری زوجین به ویژه زنان تأثیرگذار هستند (Bernardi & Klärner, 2014). علاوه بر این برخی ویژگی‌های شخصیتی زوجین در تصمیم آن‌ها مبنی بر تعداد فرزند اثرگذار بوده (Rijken & Thomson, 2011) و متغیرهای جمعیتی شامل عوامل اقتصادی و اجتماعی و کیفیت روابط میان همسران نیز بر باروری اثرگذار است (Lainiala, 2011). افزون‌براین، نتایج پژوهش‌ها در این خصوص بیانگر آن است افرادی که سطح بالای حمایت از سوی والدین، خویشاوندان و دوستان را دریافت و درک می‌کنند، در مقایسه با افرادی که تجربه حمایت‌گری اجتماعی کمتری از پیرامون خود دارند، تمایل بیشتری به داشتن فرزند از خود نشان می‌دهند (Dommermuth, Klobas & Lappegård, 2014).

در سال‌های اخیر، از یک‌طرف به علت شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ضدتبلیغاتی که در زمینه باروری انجام شده است و از طرف‌دیگر با توجه به نتایج حاصل از برخی تحقیقات و گفت‌وگوهای سازنده‌های ناشی از آن که نشان‌دهنده ویژگی‌های مثبت تک‌فرزندی در بعضی حیطه‌های عاطفی-رفتاری مانند توانایی‌های ذهنی و شناختی، سلامت روان، پیشرفت شغلی و تحصیلی، اعتمادبه‌نفس و رضایت از زندگی بوده است، برخی والدین را به داشتن تنها یک فرزند علاقه‌مند کرده است (صادقی و روشنیا، ۱۳۹۵). نتایج برخی از مطالعات همچنین نشان می‌دهد که کمال‌گرایی در تربیت و آموزش کودکان یکی از ملاحظات مهم در فرزندآوری و تمایل به داشتن یک فرزند است که حتی با بهبود وضعیت اقتصادی و سیاست‌های تشویقی، تأثیر چندانی بر باروری آنها ندارد (خلج‌آبادی و سرایی، ۱۳۹۵).

بنابراین پدیده کم‌فرزندی، تک‌فرزندی یا بی‌فرزندی اکنون به شاخصی از سبک زندگی

نوبت تبدیل شده و مورد توجه بسیاری از زوجین قرار گرفته است. براین اساس، سن باروری افزایش یافته و تمایل زوجین برای بچه‌دار شدن و مادر بودن کاهش یافته است (رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۶). از نظر روان‌شناسان رشدی، تبعات تک‌فرزندی موضوعی مهم در سال‌های اخیر به حساب می‌آید (Kozłowski, 2012)؛ لذا توجه به این نکته ضروری است که به پیامدها و تأثیرات ناشی از مسائل تربیتی، امور اقتصادی، کیفیت تحصیلی و هزینه‌های زمانی، دشواری و زحمت داشتن چند فرزند که ضریبی از سختی‌های دارا بودن یک فرزند نیست و نمی‌توان رابطه‌ای خطی برای آن متصور شد (سیاح؛ آقایی و حسینی، ۱۳۹۵) پرداخت.

این درحالی است که نتیجه برخی تحقیقات دیگر، برخلاف این است و معایبی مانند فرزندسالاری، عدم رشد اجتماعی، توجه شدید والدین، کاهش روابط اجتماعی و عدم اجتماعی شدن و کاهش انسجام خانواده را برای خانواده‌های دارای یک فرزند نشان می‌دهد (عزیزی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴). چاو و وانگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) نیز در این زمینه بیان کردند که تک‌فرزندی روی ریسک‌پذیری و رقابت‌طلبی اثر منفی دارد. همچنین فنگ زو و ایکسو کین<sup>۵</sup> (۲۰۱۶)، خانواده‌های تک‌فرزند را آسیب‌پذیر می‌دانند. دونچ<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) نیز بحث مراقبت از والدین را مورد بررسی قرار داد؛ او به این نتیجه رسید که تعداد زیادی از تک‌فرزندان خود را مسئول وضعیت روانی والدین و شاد کردن آن‌ها می‌دانند. همچنین کودکان تک‌فرزند در نحوه ارتباط خود با والدین به ویژگی توجه بیش از حد و مراقبت افراطی اشاره کردند (Falbo & Hooper, 2015). کرین<sup>۷</sup> (۲۰۱۱) نیز نشان داد والدین تک‌فرزند معمولاً کنترل بیشتری روی فرزندانشان دارند؛ بنابراین این افراد مجبورند در انجام کارها، تهاجمی‌تر رفتار کنند؛ خانواده متمرکز بر یک فرزند تمام منابع خانوادگی را صرفاً به همان اختصاص می‌دهد و در نتیجه فرزند احساس مسئولیت بیشتری را در قبال والدین خود احساس می‌کند (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۸).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از عوامل تأثیرگذار بر مهارت‌های مختلف افراد،

4. Chao, J., Cumming, D., & Wang, X

5. Fang-Zhou, W. U, Xiao-Qin, L. I

6. Duetsch, F

7. Krynen., CH

تعداد فرزندان است؛ زیرا کودکان در سیستم خانوادگی زمان‌هایی را با خواهر و برادر خود می‌گذارند و به همین دلیل، زمینه مشترک تعاملات در ذهن آن‌ها شکل می‌گیرد؛ لذا رابطه خواهر و برادری که طولانی‌ترین رابطه در زندگی است، نقش بسیار عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای افراد دارد و البته در دوران کودکی و خردسالی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Rechia & How, 2017). علاوه‌براین، چنین رابطه‌ای می‌تواند زمینه تجربه دوستی و نفرت، وفاداری و عدم پنهان‌کاری، مشاخره‌های زیاد، حمایت و عشق، آزمایش نقش و موارد دیگر باشد. خواهران و برادرها اولین گروه همتای کودکان و خردسالان هستند که در آن از یکدیگر حمایت می‌کنند، آن‌ها به یکدیگر حمله می‌کنند و در این تعاملات و ارتباطات از یکدیگر یاد می‌گیرند. آن‌ها برای گفتگو و بحث و همکاری و رقابت از الگوهای ارتباطی خاصی استفاده می‌کنند که در آینده و ارتباطات بعدی آنها نقش اساسی دارد؛ زیرا از یکدیگر یاد می‌گیرند چگونه قهر و آشتی کنند؛ چگونه از دیگران بیاموزند و چگونه هویت خود را اثبات کنند.

چنانچه در دو دهه گذشته، توجه بالینی و تحقیقات زیادی بر روی خواهر و برادرها به‌عنوان عامل مهم تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت شخصی و روابط آینده آن‌ها انجام شده است؛ برای مثال پیرو<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای در مورد کودکان خردسال حدود ۵ سال دریافت که کودکان بدون خواهر و برادر نسبت به کودکان هم‌سن خود که خواهر و برادر دارند، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ضعیف‌تری دارند (مرادی، ۱۳۹۲). کیتزمن<sup>۹</sup> (۲۰۱۲) در این زمینه معتقد است که زندگی در خانواده‌ای با حداقل یک خواهر و برادر، علاوه بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و روابط صمیمی بین خواهر و برادر، هرچند ممکن است متعارض به نظر برسد؛ اما تجربه این درگیری‌ها در دوران کودکی باعث ایجاد توانایی مدیریت حل مسئله می‌شود؛ لذا ضروری به نظر می‌رسد (عزیزی، ۱۳۹۰، ص ۳۲). همچنین به گفته آدلر، تک‌فرزندان به‌هیچ‌وجه جایگاه و قدرت برتر خود را در خانواده از دست نمی‌دهند. آن‌ها همیشه در مرکز توجه می‌مانند، در نتیجه این کودکان در رقابت نه با خواهر و برادر بلکه با والدین موقعیت منحصربه‌فردی دارند و غالباً احساس برتری

8. Piro

9. Kitzmen

مبالغه‌آمیز، تصور غلط از خود و این حس را دارند که جهان یک مکان خطرناک است، به‌ویژه اگر والدین آن‌ها بیش‌ازحد نگران سلامتی این کودکان باشند. این کودکان ممکن است فاقد حس همکاری، علاقه اجتماعی فزاینده باشند و انتظار داشته باشند دیگران از آن‌ها محافظت کنند (مرادپور و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲).

بر اساس این توضیحات، هدف از پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته مادران پیرامون چالش‌های تک‌فرزندی در دوران کودکی اول فرزندانشان می‌باشد تا به این سؤال پاسخ داده شود که والدین با تمرکز بر نقش مادران، با چه چالش‌هایی در این زمینه پیرامون تربیت فرزندشان مواجه بوده‌اند؟

## روش‌شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناسی از نوع کیفی بوده و به روش نظریه داده‌بنیاد انجام می‌شود. روش کیفی بر آن دسته از روش‌های تحلیل و تبیین استوار است که در آن‌ها بر درک عمیق، پیچیدگی، جزئیات و بافت پدیده‌های مورد مطالعه تأکید می‌شود و محقق به‌طور فعالانه در جریان تحقیق درگیر می‌شود. یکی از روش‌شناسی‌های غالب در رویکرد کیفی، نظریه داده‌بنیاد است. توجه به این نکته اهمیت دارد که در روش داده‌بنیاد دو رویکرد وجود دارد، یکی رویکرد استراوس و کوربین و دیگری رویکرد گلیزر است که تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در روش استراوس محقق را ترغیب می‌کند تا داده‌ها را در قالب یک چهارچوب از پیش اندیشیده شده مرتب کنند و ساختارمند است. درحالی‌که در روش گلیزر تأکید می‌شود که یکپارچه شدن نظریه، زمانی مطلوب است که همانند مفاهیم، خود ظاهر شود و به حساب ساختارمند و از پیش اندیشیده نیست. در این پژوهش، از رویکرد گلیزری استفاده شده است.

جامعه مورد پژوهش در این تحقیق، به‌صورت هدفمند و در دسترس از بین مادران جوان دارای حداقل تحصیلات دانشگاهی دارای یک فرزند کودک (در بازه سنی ۳ تا ۶ سال) تشکیل دادند که تجربه چالش‌های تربیتی با کودک خود

را داشته و در حال حاضر تمایلی به داشتن فرزند دیگر هم نداشتند. معیارهای دیگر ورود به تحقیق به این ترتیب بود که، خانواده تک‌والد نباشد، تعارض‌های شدید زناشویی و طلاق را تجربه نکرده باشند، تحت درمان‌های روان‌شناختی و روان‌پزشکی نباشند و کودک از نظر رشدی و شناختی، سلامت باشد.

جهت جمع‌آوری داده‌ها نیز از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. بدین‌منظور با توجه به موضوع و هدف پژوهش تعدادی سؤالات اصلی تعیین شد که توالی و نحوه پرسیدن سؤالات متناسب با پاسخ‌های هر مشارکت‌کننده تنظیم می‌شد و به‌صورت اکتشافی ادامه می‌یافت. در طول مصاحبه هر جا پاسخ‌ها کلی و مبهم بود برای شفاف‌سازی مفاهیم ذهنی مشارکت‌کننده، با استفاده از سؤالات پیگیری از وی درخواست شد تا توضیحات تکمیلی در مورد مطالب ذکر شده ارائه نماید. نمونه‌ای از سؤالات محوری که در مصاحبه با مشارکت‌کنندگان پرسیده شد عبارت بود از: شما در سن کودکی فرزندتان با چه چالش‌های تربیتی‌ای مواجه شدید؟ مهم‌ترین چالش‌های تربیتی‌ای که در این سن با آن مواجه شدید، چیست؟ واکنش شما به این چالش‌های تربیتی چه بود؟ وقوع چه چالش‌های تربیتی‌ای، بیشتر برای شما سخت بود؟ به نظر شما تک‌فرزندی چه میزان در بروز این چالش‌های تربیتی مؤثر بود؟ که این مصاحبه‌ها در چهاردهمین نفر به اشباع رسید و فرایند تحلیل داده‌ها بر اساس روش کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی پس از آن انجام شد.

کدگذاری باز شامل دو فرایند بود: الف) شناسایی واحدهای معنادار در رابطه با پدیده مورد بررسی و سپس اختصاص یک مفهوم معرف به آن‌ها به‌عنوان کد، که بدین‌منظور واژه به واژه و خطبه‌خط متن مصاحبه‌ها مورد بازخوانی قرار گرفت و مفهوم‌بندی مرتبط با موضوع انجام شد. ب) فرایند دوم در کدگذاری باز، پالایش مفاهیم استخراج شده و ایجاد یکپارچگی در آن‌ها بود تا مناسب‌ترین و گویاترین مفهوم برای توصیف پدیده انتخاب شود. پس از آنکه

کدهای اولیه مشخص شدند، تفاوت‌ها و شباهت‌های آنان با استفاده از مقایسه مداوم تعیین گردید و مفاهیم با توجه به نوع اشتراک و ارتباطی که با یکدیگر داشتند، در یک مفهوم کلی‌تر مقوله‌بندی شدند که این سطح از کدگذاری، کدگذاری محوری نام دارد. هدف از کدگذاری محوری ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولیدشده (در مرحله کدگذاری باز) است. بعد از کدگذاری محوری، کدگذاری نظری صورت گرفت به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله ربط داده و آن روابط را در چهارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح کردیم تا از طریق مقایسه مداوم نظریه در حال تکوین، نمایان و ارائه شد.

## یافته‌ها

تعداد افراد حاضر در این پژوهش ۱۴ نفر بودند که با در نظر گرفتن معیارهای لازم و با کسب رضایت وارد پژوهش شدند.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

سن فرزند	تحصیلات	سن	مشارکت‌کننده
۵ سال	کارشناسی ارشد	۲۹	۱
۵ سال و ۲ ماه	کارشناسی	۳۱	۲
۴ سال ۴ ماه	کارشناسی	۲۹	۳
۴ سال و ۲ ماه	کارشناسی ارشد	۳۰	۴
۶ سال	کارشناسی ارشد	۲۸	۵
۵ سال و ۵ ماه	کارشناسی	۳۰	۶
۵ سال و ۶ ماه	کارشناسی ارشد	۳۲	۷
۵ سال و ۲ ماه	کارشناسی	۲۷	۸
۴ سال و هفت ماه	کارشناسی ارشد	۳۳	۹
۴ سال و ۵ ماه	کارشناسی	۳۲	۱۰

سن فرزند	تحصیلات	سن	مشارکت‌کننده
۵ سال	کارشناسی	۳۱	۱۱
۶ سال	کارشناسی ارشد	۲۸	۱۲
۵ سال و ۷ ماه	کارشناسی	۳۵	۱۳
۴ سال و ۹ ماه	کارشناسی	۳۷	۱۴

جدول ۲- کدگذاری باز، محوری و نظری تجارب زیسته مادران از چالش‌ها و ضعف‌های تربیتی تک‌فرزند در دوران کودکی

کدگذاری نظری	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
نقش تک‌فرزندی در شکل‌گیری چالش‌های تربیتی دوران کودکی، تأثیرگذار و متأثر در بروز ضعف‌های تربیتی	چالش‌های تربیت عاطفی	ضعف در تنظیم هیجانات
		حس تنهایی
		وابستگی افراطی
		ضعف مهارت همدلی
		ضعف انعطاف‌پذیری
		ضعف عزت نفس
	چالش‌های تربیت اجتماعی	ضعف مهارت ارتباط سالم با همسالان
		ضعف در مشارکت گروهی
		ضعف در آداب اجتماعی
		ضعف مهارت همکاری و همیاری گروهی
		ضعف در شکل‌گیری خلق مدارا
		ضعف در شکل‌گیری خلق مهربانی و توجه به دیگران
		ضعف در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری
	چالش‌های تربیت شناختی	یادگیری مشاهده‌ای محدود
		ضعف مهارت حل مسئله
ضعف جستجوگری و کشف محیط		

کدگذاری نظری	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
	چالش‌های رشد (تربیت حسی - حرکتی)	ضعف در مهارت زبانی و حرکتی
		مراقبت و حساسیت شدید رشدی
نقش تک‌فرزندی در شکل‌گیری ضعف‌های تربیتی والدین تک‌فرزند در دوران کودکی، تأثیرگذار و متأثر از چالش‌های تربیتی	آسیب‌های ناشی از فضای ارتباطی	محبت و حمایت مشروط
		عدم دسترسی‌پذیری عاطفی
		انتقال استرس و احساسات منفی به فرزندان
		القای اهداف و آرزوهای نرسیده خود به فرزند
		عدم همدلی و همراهی والدین با فرزند
		مسئولیت‌خواهی افراطی
	آسیب‌های ناشی از شبکه‌های فرزندپروری ناکارآمد	انتظارات نامعقول رشدی و شناختی
		نظارت نامناسب تربیتی
		هنجار گذاری نامناسب
		تربیتی

چنانچه از جدول ۲ نیز مشخص است، بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و داده‌های حاصل از آن، ۲۹ کد باز، ۷ کد محوری و ۲ کد نظری شناسایی شده است. کدهای باز مربوط به چالش‌های تربیت عاطفی شامل ضعف مهارت تنظیم هیجانات، حس تنهایی، وابستگی افراطی، ضعف مهارت همدلی، ضعف انعطاف‌پذیری و ضعف عزت نفس است. چالش‌های تربیت اجتماعی شامل ضعف مهارت ارتباط سالم با همسالان، ضعف مهارت مشارکت گروهی، ضعف مهارت آداب اجتماعی، ضعف مهارت همکاری و همیاری گروهی است. همچنین کدهای باز شناسایی شده در مقوله چالش‌های تربیت اخلاقی عبارت‌اند از: ضعف در شکل‌گیری خلق مهربانی و توجه به دیگران، ضعف در شکل‌گیری

خلق شجاعت و ضعف در شکل‌گیری صفت مسئولیت‌پذیری.

چالش‌های تربیت شناختی نیز شامل ضعف شکل‌گیری یادگیری مشاهده‌ای، ضعف شکل‌گیری مهارت حل مسئله، ضعف شکل‌گیری مهارت جستجوگری و کشف محیط می‌باشد. چالش‌های رشد شامل دو کد باز است: یکی ضعف در مهارت زبانی و حرکتی و دیگری مراقبت و حساسیت شدید رشدی.

کدهای نظری شناسایی شده در این خصوص شامل این دو گزاره است: (۱) نقش تک‌فرزندی در شکل‌گیری چالش‌های تربیتی دوران کودکی تأثیرگذار و متأثر در بروز ضعف‌های تربیتی؛ (۲) نقش تک‌فرزندی در شکل‌گیری ضعف‌های تربیتی والدین تک‌فرزند در دوران کودکی، تأثیرگذار و متأثر از چالش‌های تربیتی، که در ادامه به شرح مختصری از این موارد خواهیم پرداخت.

## وابستگی افراطی

غالباً تک‌فرزندان وابستگی افراطی به پدر و مادر خویش پیدا می‌کنند که اضطراب، یکی از عوامل اصلی این وابستگی‌ها است. در واقع غالباً زیر نقاب شخصیت وابسته، اضطراب بالایی وجود دارد. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۱ می‌گوید: «خیلی سخت قبول می‌کند که حتی برای یک ساعت بدون ما جایی بماند و به نظرم دچار اضطراب می‌شود».

## ضعف مهارت همدلی

معمولاً در خانواده‌های تک‌فرزند مفاهیمی از قبیل همدلی، هم‌زبانی، سازگاری، بخشیدن و... کمتر رشد پیدا می‌کند، چرا که رشد این مقوله‌ها در فرزندان در اثر مرادده و تعامل با سایر فرزندان اتفاق می‌افتد. کودکان در ارتباط مستقیم و مؤثر با خواهر یا برادر خود به‌طور ناخودآگاهانه‌ای به تمرین درونی‌سازی این صفات می‌پردازند و لذا در بیرون از محیط خانواده با آموختگی و آمادگی در روابط مواجه می‌گردند. این‌گونه فرزندان در صحنه‌های ارتباطی-اجتماعی

معمولاً تسهیل‌گر، همراه و همدل ظاهر می‌شوند، چرا که این مهارت‌ها را از بستر خانوادگی و تعامل با خواهر و برادر خود آموخته‌اند.

مصاحبه‌شونده شماره ۴ می‌گوید: «وقتی پسر عمه اش شروع به گریه کردن می‌کند و از چیزی ناراحت است، اصلاً نمیتونه اون حالت رو درک کنه و مدام در آن شرایط به اون می‌گه که بیا بازی، چرا نمیای بازی و متوجه حال او نمی‌شه».

### ضعف انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری در تک‌فرزنده‌ها کمتر وجود دارد. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ می‌گوید: «وقتی به سفر می‌ریم، خیلی سخت میتونه با محل اسکان اونجا کنار بیاد و خیلی طول میکشه که اونجا رو بپذیره، روز اول همش می‌گه: برگردیم خونه خودمون و نمی‌تونه با اون محیط جدید کنار بیاد».

### ضعف عزت‌نفس

عزت‌نفس قضاوت شخصی است که در نگرش‌های فرد در رابطه با خود نمود یافته است. عزت‌نفس با تخمین فرد از توانایی خود رابطه دارد. تک‌فرزنده‌ها با وجود توجهاتی که از سوی والدینشان به آن‌ها می‌شود؛ اما زمانی که در شرایط اجتماعی قرار می‌گیرند به‌نوعی با عدم عزت‌نفس کافی روبه‌رو می‌شوند.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۷ می‌گوید: «در خانه هر چیز کوچکی را بخواد بخوره، حتماً باید از من سؤال کنه؛ اما اگر پیش دختر خاله‌ش باشد، بدون اینکه از من بپرسه با اون همه چیز می‌خوره. نه فقط در مورد خوردنی‌ها، در مورد همه چیز این طوره».

### ضعف مهارت مشارکت گروهی

فرزندانی که در خانواده تنها هستند عدم تمایل به مشارکت‌های اجتماعی در آن‌ها بالاتر است و تا حدود زیادی انحصارطلب‌اند، همچنین روحیه تعاملی

زیادی ندارند. عدم حضور هم‌بازی و تعامل با کودکان هم‌سن‌وسال، مهم‌ترین عامل مؤثر در عدم شکل‌پذیری مهارت مشارکت گروهی در شخصیت کودکان تک‌فرزند است. در این راستا، کودک تک‌فرزند باید در مراودات اجتماعی بیشتری با گروه همسالان خود قرار بگیرد و در فعالیت‌های اشتراکی شرکت کند تا از این طریق این مهارت را بیاموزد.

مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید: «وقتی با بچه‌های دیگه داره بازی میکنه، می‌خواد که همه اسباب‌بازی‌ها برای اون باشه، اصلاً نمی‌پذیره که وسایلش را با کسی شریک بشه».

### ضعف مهارت آداب اجتماعی

یک کودک با بزرگ شدن در کنار خواهر و برادرهایش در هزاران کار با آنها تعامل می‌کند. مهارت‌ها را از جمله آداب اجتماعی را یاد می‌گیرد؛ اما تک‌فرزندها خیلی از اوقات برای آموختن مهارت‌ها به خارج از خانواده خود رو می‌آورند. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۹ می‌گوید: «وقتی وارد یک جمع می‌شیم، خیلی برایش سخت است که بخواد به افراد حاضر سلام کند و خجالت میکشه».

### ضعف مهارت همکاری و هم‌یاری گروهی

در خانواده‌های چند فرزند سهم شدن با دیگران، تعاون و تعامل و همکاری و کار تشکیلاتی، همه و همه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم قابل دستیابی است، حمایتگری و همیاری فرزندان از هم زیاد است، ولی در خانواده‌های تک‌فرزند کاهش مناسبات اجتماعی و محدودیت در شبکه ارتباطی خویشاوندی قابل رؤیت است که باعث ضعف در مهارت همکاری و همیاری گروهی می‌شود.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۵ می‌گوید: «وقتی وارد یک جمع می‌شه، اصلاً نمی‌تونه با آنها وارد فعالیت مشترک بشه و فقط مشاهده می‌کنه و ترجیح می‌ده تنهایی آن کار را انجام بده. در بازی‌های گروهی، مدام این جمله را می‌گه

که هر طور که من می‌گم باید بازی کنیم».

### ضعف در شکل‌گیری خلق شجاعت

شجاعت یا دلیری به معنی ازجان‌گذشتگی و دلاوری در کارها است. شجاعت به معنی ترس بودن نیست بلکه اگر بتواند به ترس خود غلبه کند، شجاع است. غالب تک‌فرزندان در این خلق ضعف دارند، چرا که حمایت‌های افراطی والدینشان مانع از شکل‌گیری این ویژگی شده است و کمتر توانسته‌اند خود را موقعیتی قرار دهند که باعث بروز خلق شجاعت شود، چون همیشه تحت مراقبت شدید والدین بوده‌اند. در صورتی که اگر والدین رفتارهای جرئت‌مندانه را در کودکی به فرزندانشان آموزش دهند، کودکان در بزرگسالی از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار هستند و روابط اجتماعی آنها بهتر و عزت‌نفسشان بیشتر می‌شود و با احساس رضایت و آرامش خاطر بیشتری زندگی خواهند کرد. کودکان شجاع می‌توانند در مقابل فشار منفی همسالان خود مقاومت کنند.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید: «در رفتن به سراغ تجربه‌های جدید بسیار محتاطه. گاهی فکر می‌کنم که از پس یه کاری بر میاد در آینده یا نه؟ چون انقدر محتاطه که اصلاً سراغش نمی‌ره».

### ضعف در مهارت جستجوگری و کشف محیط

غالباً والدین نسبت به تک‌فرزند خود رفتار محافظه‌کارانه و حمایت‌گرانه دارند و این موضوع از رشد فرزندشان جلوگیری می‌کند؛ زیرا بسیاری از آموزه‌ها در طول تجربه و کشف محیط اطراف به دست می‌آیند.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۸ می‌گوید: «غالباً وقتی به جای جدیدی می‌رویم، پسریم را برای اینکه راحت بچرخه و بره و بیاد، آزاد نمی‌گذارم چون استرس می‌گیرم. برای همین خودشم دیگه عادت نکرده به اینکه بره تو پارک و این ور اون ور، بازی کنه برای خودش و میلی برای جستجوگری در محیط

جدید نداره عموماً».

### مراقبت و حساسیت شدید رشدی

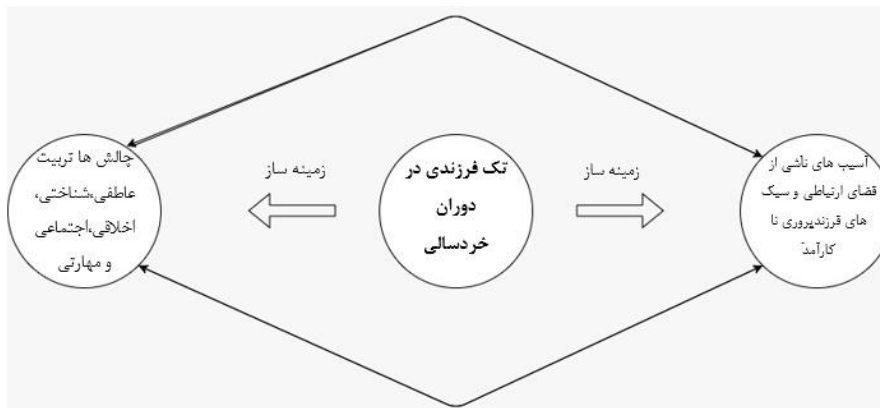
غالباً استرس والدین تک‌فرزند باعث می‌شود که بیش از اندازه از کودک مراقبت کنند و بسیاری از کارهایی که لازم است کودک در سطح رشدی خود انجام دهد را والدین برایش انجام می‌دهند، در نتیجه کودک فرصت رشد عادی پیدا نمی‌کند و مهارت‌ها متناسب با سن کودک شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین بسیاری از مسائلی که برای دیگر کودکان به آسانی قابل حل است، برای فرزند نقش استرس‌زا پیدا می‌کند، چون از سطح مهارت‌های او فراتر هستند.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۶ می‌گوید: «هنگامی که چهار دست‌وپا راه رفتن را شروع کرد، همش مراقب بودم که چیزی از روی زمین برندارد و برش می‌داشتم و بغلش می‌کردم. حس می‌کنم سخت‌گیری من باعث می‌شد که دخترم کمتر چهار دست‌وپا بره و دیرتر هم راه افتاد».

### القای اهداف و آرزوهای نرسیده خود به فرزند

والدینی که یک فرزند دارند، غالباً فرزندشان آینه آمال و آرزوهای دست‌نیافتنی آن‌ها هستند این آرزوها ناشی از محدودیت‌هایی هستند که والدین در گذشته داشته‌اند و اکنون در صدد هستند که از طریق تک‌فرزندشان جبران کنند و این در حالی است که اساساً فرزند علی‌رغم تلاش بسیار زیاد، باز هم به استانداردهای مورد نظر پدر و مادر نمی‌رسد.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ می‌گوید: «می‌خواهم فرزندم بهتر از من زندگی کنه. تمام سعی خودم را می‌کنم تا کم‌وکسری نداشته باشه و چیزایی که پدر و مادر خودم نتونستن برای من تأمین کنن را اون داشته باشه».



شکل ۱: شمای کلی ادراک والدین پیرامون ابعاد چالش‌ها و ضعف‌های تربیتی تک‌فرزندی در دوران خردسالی

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با هدف مطالعه ادراک والدین از چالش‌های تربیتی دوران خردسالی، بررسی‌های لازم صورت گرفت. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در بخش چالش‌های تربیتی تک‌فرزندی در دوران خردسالی، از نگاه والدین، ۴۰ کد شناسایی شدند. در این بخش ۷ مقوله با عناوین چالش‌های تربیت عاطفی، چالش‌های تربیت اجتماعی، چالش‌های تربیت اخلاقی، چالش‌های تربیت شناختی، چالش‌های رشد (تربیت حسی-حرکتی)، آسیب‌های ناشی از فضای ارتباطی و آسیب‌های ناشی از سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد شناسایی شدند. می‌توان دریافت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی که خانواده‌ها در این دوره و زمانه دارند، تعلیم و تربیت فرزندان است. بدیهی است که خانواده‌های تک‌فرزند با چالش‌های تربیتی متعددی روبه‌رو هستند.

## چالش‌های تربیت عاطفی

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در بخش چالش‌های تربیت عاطفی، ۶ کد ضعف مهارت تنظیم هیجان‌ات، حس تنهایی، وابستگی افراطی، ضعف مهارت همدلی، ضعف انعطاف‌پذیری و ضعف عزت‌نفس شناسایی شدند. از عوامل مهمی که در پیشگیری از

مشکلات عاطفی، اجتماعی و رفتاری نقش مؤثری ایفا می‌کند، عواطفی مانند عشق، احساس امنیت، شادی است که در اثر بازی و تعامل با کودک در محیط آموزشی و خانوادگی و به دور از اضطراب و فشار روانی است (Emerson; Ogielka & Rowse, 2019). تحقیقات متعددی نشان‌دهنده حمایت بیش‌ازحد والدین از تک‌فرزندان است که در نتیجه فرزند، با روحیه حساس و ضعیف تربیت می‌شود که همین امر باعث می‌شود در تنظیم هیجانات و کنترل خود به مشکل برخوردند و نسبت به چند فرزندان ضعیف‌تر عمل کنند (Yang et al., 2016). هیجان و عواطف باید متناسب با محیط باشند، به طوری که زیاد و کم بودن آن‌ها در فرد منجر به ایجاد حس نفرت، اضطراب، خشم، پرخاشگری ناسازگاری و... می‌شود که عدم کنترل آن، بهداشت روانی و عاطفی فرد را به تهدید می‌نماید (بیدالهی، ۱۳۹۴). دومین کد باز که مطرح شده است، حس تنهایی می‌باشد که این‌گونه تعریف می‌شود، «احساس تنهایی» بر تجربه‌ای دلالت دارد که بر اثر کمبود تماس‌های اجتماعی، احساس صمیمیت یا حمایت در روابط اجتماعی ایجاد می‌شود. در صورتی که شمار ارتباطات صمیمی موجود در خانواده کمتر از حد مطلوب باشد، روابط درون خانوادگی انتظارات فرد را تأمین نمی‌کند و فرزند به دنبال دیگران می‌رود و اگر تعامل با دیگران رضایت‌بخش نباشد، تنها فرزند خانواده دچار احساس تنهایی می‌شود. تک‌فرزند برای رهایی از حس تنهایی، ممکن است راه‌هایی را انتخاب کند که آسیب‌های فراوانی را برای او داشته باشد (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶). مرتضوی و همکاران (۱۳۹۸) دریافته‌اند که در خانواده‌های تک‌فرزند احساس وابستگی و تنهایی، در فرزندان وجود دارد.

### چالش‌های تربیت اجتماعی

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در بخش چالش‌های تربیتی اجتماعی، ۴ کد ضعف مهارت ارتباط سالم با همسالان، ضعف مهارت مشارکت گروهی، ضعف مهارت آداب اجتماعی و ضعف مهارت همکاری و همیاری گروهی شناسایی شدند. تک‌فرزندان به این دلیل که زمان بیشتری را با والدین و سایر بزرگسالان می‌گذرانند، اغلب زودتر پخته می‌شوند و رفتارها و نگرش‌های بزرگسال را از خود نشان می‌دهند. علاوه‌براین،

تک‌فرزندان رقابت با هم‌شیرها را تجربه نمی‌کنند و در عوض با پدر و مادر، تجربه جدیدی را کسب می‌کنند. آن‌ها معمولاً حس برتری اغراق‌آمیز، خودپنداره کاذب دارند و این تصور را دارند که دنیا مکان خطرناکی است به‌ویژه اگر والدینشان بیش‌ازحد نگران سلامتی آن‌ها باشند. تک‌فرزندان ممکن است فاقد حس همکاری، علاقه اجتماعی رشد یافته و نگرش طفیلی و از دیگران انتظار محافظت داشته باشند (فیست و فیست، ۱۳۹۳).

### چالش‌های تربیت اخلاقی

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در بخش چالش‌های تربیتی اخلاقی، ۵ کد ضعف در شکل‌گیری خلق خویش‌داری و صبر، ضعف شکل‌گیری خلق مدارا و تحمل، ضعف در شکل‌گیری خلق مهربانی و توجه به دیگران، ضعف در شکل‌گیری خلق مسئولیت‌پذیری، ضعف در شکل‌گیری خلق شجاعت شناسایی شدند. صادقی و روشن‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که بین میزان امید به زندگی، تاب‌آوری، خویش‌داری و تمایزافتگی نوجوانان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که میزان امید به زندگی، تاب‌آوری، خویش‌داری و تمایزافتگی در نوجوانان خانواده‌های چندفرزند از نوجوانان خانواده‌های تک‌فرزند بیشتر بود.

### چالش‌های تربیت شناختی

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در بخش چالش‌های تربیتی شناختی، ۳ کد ضعف در شکل‌گیری یادگیری مشاهده‌ای، ضعف در شکل‌گیری مهارت حل‌مسئله، ضعف در شکل‌گیری مهارت جستجوگری و کشف محیط شناسایی شدند. ضعف در شکل‌گیری یادگیری مشاهده‌ای یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده چالش‌های تربیت شناختی محسوب می‌شود. نتایج مطالعه ابراهیمی قوام و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که بین توانایی حل مسئله اجتماعی، شادکامی و سازگاری فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما در توانایی حل مسئله اجتماعی در بعد منطقی حل مسئله تفاوت معناداری بین دو گروه دانش‌آموزان به‌دست آمد که عملکرد دانش‌آموزان

چندفرزند بهتر از تک‌فرزند بود.

### چالش‌های رشد (تربیت حسی-حرکتی)

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در بخش چالش‌های رشد، ۲ کد ضعف در مهارت زبانی و حرکتی و مراقبت و حساسیت شدید رشدی شناسایی شدند. لانگ<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که مهارت‌های حرکتی و زبانی کودکان تک‌فرزند در مقایسه با کودکان دارای هم‌شیر، ضعیف‌تر است. یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده چالش‌های رشد (تربیت حسی-حرکتی)، مراقبت و حساسیت شدید رشدی می‌باشد. در خانواده‌های تک‌فرزند، شاهد این هستیم که جزئیات می‌تواند اشتغال ذهنی زیادی برای والدین ایجاد کند و والدین بر موضوعات تمرکز ویژه داشته باشند.

### آسیب‌های ناشی از فضای ارتباطی

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در بخش آسیب‌های ناشی از فضای ارتباطی، ۵ کد محبت و حمایت مشروط، عدم دسترسی‌پذیری عاطفی، انتقال استرس و احساسات منفی به فرزند، القای اهداف و آرزوهای نرسیده خود به فرزند، عدم همدلی و همراهی والدین با فرزند شناسایی شدند. تک‌فرزند بودن موقعیت ویژه‌ای را برای کودک ایجاد می‌کند؛ نحوه تعامل والد-فرزندی موضوعی مهم است و اساس تحول فرد را تشکیل می‌دهد که در تمام طول عمر، فرد با آن دست و پنجه نرم می‌کند (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۸). بیشتر کودکان در روند تحول خود مشکلات رفتاری و هیجانی خاصی پیدا می‌کنند که به‌دلیل فشارهای رشد و منطبق شدن بر انتظارات والدین و جامعه است (Xuan et al., 2018).

### آسیب‌های ناشی از سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در بخش آسیب‌های ناشی از سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد، ۴ کد مسئولیت‌پذیری افراطی، انتظارات نامعقول رشدی و شناختی، نظارت

نامناسب تربیتی و هنجارگذاری نامناسب تربیتی شناسایی شدند. بدون تردید، ادراک مناسب کودکان از والدینشان کاربست الگوی فرزندپروری کارآمد است. به بیان دیگر شیوه تربیتی والدین را می‌توان شاخصی معتبر برای پیش‌بینی چگونگی ادراک کودک از والدین تلقی کرد. براین اساس برقراری ارتباط صحیح و مؤثر والدین با کودکان، مهمترین اصل فرزندپروری است که الزام آن شناخت مسائل کودکان و درک تفاوت دیدگاه‌های آنها است (Schuman, 2013).

## منابع و مأخذ

- بهمنش، فرشته؛ تقی‌زاده، زیبا؛ و دادهیر، ابوعلی؛ عبادی، عباس؛ پوررضا، ابوالقاسم و عباسی شوازی، محمد جلال. (۱۳۹۸) تبیین علل تک‌فرزندی بر اساس دیدگاه زنان: مطالعه کیفی، *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، دوره ۱۵، ش ۳، ۲۷۹-۲۸۸.
- فسیت، جس و فیست، گریکوری. (۱۳۹۳). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن. (۱۳۹۵). *واکاوی شرایط و زمینه‌ساز قصد رفتار تک‌فرزندی در تهران. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده (مطالعات راهبردی زنان)*. ش ۱۸، صص. ۵۸-۳۰.
- رستگارخالد، امیر؛ محمدی، میثم و ریاحی، محمدناصر. (۱۳۹۶). *جهت‌گیری ارزشی زنان و کنترل باروری. مطالعات راهبردی زنان*، ش ۷۵.
- سیاح، مونس؛ آقایی دیزج، پروانه و حسینی، اعظم. (۱۳۹۵). *عوارض و پیامدهای تک‌فرزندی در سبک زندگی مدرن. تهران. همایش ملی خانواده و مسائل نوپدید. شجاعی، جواد. و یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۶). تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی: مطالعه دختران بالای ۱۸ سال. زن در توسعه و سیاست. پژوهش زنان، ۱۵(۴)، صص. ۴۷۶-۴۴۷.*
- صادقی، مسعود و روشن‌نیا، سمیه. (۱۳۹۵). *بررسی نقش جمعیت خانواده بر ابعاد روانی فرزندان: امید به زندگی، تاب‌آوری و تمایز یافتگی. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و*

خانواده. سال یازدهم، شماره ۳۶، ۱۲۱-۹۹.

عزیزی، الهه (۱۳۹۰). بررسی پیوندهای خانوادگی کودکان مبتلا به ADHD و مقایسه آن با کودکان عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، تهران: پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.

فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۵). واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران. فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده، سال ۱۸، ش ۳۲، صص. ۱۳-۲۳.

فرنودیان، پریسا، اسدزاده، حسن و ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی و خودتنظیمی مقایسه آن در دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند. پژوهش‌های کاربردی در علوم رفتاری. ۱۶، صص. ۹۹-۱۲۰.

محمدی، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی پیامدهای تک‌فرزندی از دیدگاه روان‌شناسی. تهران. اولین همایش ملی کودک و نوجوان.

مدیری، فاطمه و قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۹۷). بررسی تأثیر کیفیت زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵(۱۲). صص. ۷۳-۹۴.

مردپور، سارینا؛ عبدی‌نیا، افروز؛ معتمدی، مهشید و علامت‌ساز، بتول. (۱۳۹۵). بررسی تک‌فرزندی و آثار سوء آن در خانواده و جامعه. تهران. دومین کنگره بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه مشاوره، خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی.

مرادی، سمانه (۱۳۹۲). مقایسه مشکلات رفتاری در کودکان تک‌فرزند و چند فرزند با توجه به عامل جمعیت‌شناختی والدین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه شیراز.

مرتضوی، مهناز؛ حسینیان، سیمین؛ رسولی، رویا، و زارعی محمودآبادی، حسن. (۱۳۹۸). تجربه زیسته تک‌فرزندان از تعامل با والدین «مطالعه پدیدارشناسی».

خانواده‌پژوهی، ۱۵(۵۸)، صص. ۲۵۱-۲۶۶.

مرکز آمار ایران. شیب نرخ باروری کل ایران ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸.

- مهربانی، وحید. (۱۳۹۳). شواهدی از وجود تبادل میان فرزندان و سلامت آن‌ها. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال ۱۵، ش ۲۵، صص. ۱۰۲-۱۱۵.
- نعیمی، ابراهیم؛ سعیدی، میلاد و کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۸). مقایسه کیفیت زندگی زوجین تک‌فرزند با زوجین دارای بیش از دو فرزند در خانواده‌های تهرانی. *نشریه مشاوره و روان درمانی خانواده*. س ۹، ش ۱(۲۷)، صص. ۱۶۱-۱۷۲.
- یدالهی، سعید (۱۳۹۴). *اثر بخشی آموزش تئوری انتخاب بر مدیریت عواطف و سخت رویی معنادین مبتلا به هیپاتیت تحت درمان کلینیک بازتوانی اعتیاد مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- Bernardi L, Klärner A (2014). Social networks and fertility. *Demographic Research* 2014: pp. 641-670.
- Chao, J., Cumming, D., & Wang, X. (2015). One-child policy and family firms in China. *Journal of Corporate Finance*, 33(3), pp. 317-329.
- Dommermuth L, Klobas J, Lappegård T. Differences in childbearing by time frame of fertility intention. A study using survey and register data from Norway. 2014.
- Emerson, L., Ogielka, C. & Rowse, G. (2019). A systematic review of the role of parents in the development of anxious cognitions in children. *Journal of Anxiety Disorders*, 62, pp. 15-25.
- Fahlén, S., and Oláh, L. (2010), *Female Employment, Work Hours and Childbearing Intentions in Sweden in the Early 2000s: A Capability Perspective*. Stockholm University: Stockholm Research Reports in Demography.
- Falbo, T., & Hooper, S.Y. (2015). China's Only Children and Psychopathology: A Quantitative Synthesis. *Am J Orthopsychiatry*, 85(3), pp. 259-274.
- Fang-Zhou, W. U., Xiao-Qin, L. I. (2016). A literature review on the studies of the loss of only child family in our country. *International Conference on Modern Education and Social Science*. Pp. 1155-1160.
- Kozlowski, J. F. (2012). Adult Implications of Being an Only Child. *General Psychology*, 117(3), pp. 1-25.
- Krynen, CH. (2011). The Rise of Single-Child Families: Psychologically Harming the Child?. *Intuition*, 7(1), pp. 10-14.
- Lang, R., Koegel, I. K., Ashbaugh, K., Register, A., Ence, W., & Smith, W. (2010). "Physical exercise and individuals with Autism spectrum disorders: a systematic". *Research in Autism spectrum disorders*. 1 (3), pp. 1202-1215.
- Lainiala, L. (2011). The impact of relationship quality on childbearing in Finland. *Finnish Yearbook of Population Research*, 46, pp. 31-47.
- Rechia HE, How N. (2017). *Associations between social understanding, sibling relationship quality, and sibling, conflict strategies and outcomes*. Child.
- Rijken, A. J., & Thomson, E. (2011). Partners' relationship quality and childbearing. *Social science research*, 40(2), pp. 485-497.

- Schuman, Shana. L. (2013), "An Exploration of Family Problem-Solving and Affective Involvement as Moderators between Disease Severity and Depressive Symptoms in Adolescents with Inflammatory Bowel Disease", *J Clinical Psycho Med Settings*; 20(4): pp. 488-496.
- Xuan, X., Chen, F., Yuan, Ch., Zhang, X., Luo, Y., Xue, Y., & Wang, Y. (2018). The relationship between parental conflict and preschool children's behavior problems: A moderated mediation model of parenting stress and child emotionality. *Children and Youth Services Review*, 95, pp. 209-216.
- Yang, J., Hou, X., Wei, D., Wang, K., Li, Y., & Qiu, J. (2016). Only-child and non-only-child exhibit differences in creativity and agreeableness: evidence from behavioral and anatomical structural studies. *Brain imaging and behavior*, pp. 1-10.